

رویکرد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برای حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و تبیین جامعه‌شناختی آن

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲۸

علیرضا محمدرضائی^۱

مریم مرادی^{۲*}

ابومحمد عسگر خانی^۳

چکیده

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه هر دو به منظور حمایت از حقوق انسانی و اجبار دولت‌ها به رعایت شأن و مرتبت انسانی تدوین و توسعه یافته‌اند و مکمل یکدیگر عمل می‌نمایند؛ حقوق بشر حقوقی است که همگان در همه زمان‌ها، حتی در زمان جنگ نیز از آن برخوردار می‌باشند؛ حال آنکه حقوق بشردوستانه مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی است که مشخصاً، ناظر بر رفتار قوای متخاصم در جنگ‌های مسلحانه است؛ مقاله حاضر به بررسی رویکرد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در زمان جنگ و نحوه حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه با روش توصیفی - تحلیلی می‌پردازد؛ سؤال اصلی مقاله حاضر این است که رویکرد این دو نهاد حقوقی در حمایت از افراد چیست؟ از سویی دیگر مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا قواعد و مقررات حقوق بشر در زمان جنگ‌های مسلحانه نیز رعایت می‌شوند یا خیر؟ یافته‌های تحقیق، حاکی از آن است که توجه به قواعد و مقررات حقوق بشر در راستای حمایت از کرامت انسانی در زمان مخاصمات مسلحانه الزامی بوده و این دو نهاد حقوقی به صورت مکمل عمل می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها

تعاملات حقوقی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، حمایت از غیرنظامیان، مخاصمات مسلحانه

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار روابط بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، به‌عنوان دو شاخه حقوق بین‌الملل، وجوه اشتراک زیادی با هم دارند؛ اما این بدان معنا نیست که قواعد حاکم بر این دو نظام بین‌المللی یکی است، بلکه این دو مکمل یکدیگر بوده و در تعامل^۴ با هم سعی می‌نمایند، از انسانها در وضعیت‌های مختلف حمایت نمایند؛ هدف هر دو، حمایت از موجودیت بشر و حفظ کرامت انسانی است؛ در این تعامل سعی می‌نمایند تا بتوانند از قربانیان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه حمایت نمایند، از همین رو در توسعه و پیشرفت نقش اساسی می‌نمایند.

از موارد تأثیرگذار حقوق بشر بر توسعه حقوق بشردوستانه، می‌توان به اصل عدم تبعیض^۵ در منازعات بین‌المللی اشاره نمود، این اصل از اعلامیه جهانی حقوق بشر^۶ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو^۷ راه یافته است؛ مواد ۱۲ کنوانسیون اول ژنو، ۱۶ کنوانسیون چهارم ژنو و ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو تصریح می‌نمایند که دولت متخاصمی که افراد تحت حمایت را در اختیار خود دارد، باید بدون هیچگونه تبعیض ناشی از نژاد، ملیت و عقاید سیاسی با آنان، به‌نحو انسانی رفتار نموده و آنان را مورد حمایت قرار دهد؛ اصل عدم تبعیض در حقوق بشردوستانه مورد پذیرش قرار گرفته است. تأثیر حقوق بشر در توسعه حقوق بشردوستانه را با ملاحظه اسناد موخرالتصویب حقوق بشردوستانه مانند قواعد مربوط به ممنوعیت شکنجه^۸ و منع بازداشت خودسرانه^۹ می‌توان ملاحظه نمود که از جمله قواعدی هستند که از دنیای حقوق بشر وارد نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه شده‌اند.

حقوق بشر، جزء اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی می‌باشد که هر انسانی به‌طور فطری و ذاتی در زمان حیات خود از آن بهره‌مند می‌باشد، در حالی که حقوق بشردوستانه، رفتار طرفین درگیر در جنگ‌های مسلحانه را تنظیم می‌نماید.^{۱۰}

در دنیای معاصر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، به‌واسطه حمایت از فرد و تضمین احترام نسبت به شأن و منزلت انسانی^{۱۱}، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند؛ هر دو متضمن قواعد و مقرراتی راجع به چگونگی رفتار با بشر و حمایت از وی، بر اساس ملاحظات انسانی می‌باشند؛ اما علی‌رغم این هدف و دغدغه مشترک، خاستگاه،

⁴ Interaction

⁵ Principle of non-discrimination

⁶ The Universal Declaration of Human Rights, 10 December 1948.

⁷ The Geneva Conventions, 12 August 1949.

⁸ Prohibition of torture

⁹ Prohibition of arbitrary detention

¹⁰ Droege, The Interplay Between International Humanitarian Law and Law and International Human Rights Law in Situations of Armed Conflict, 2-3.

¹¹ Human Dignity

تاریخ تحول و حتی تا حدود زیادی، قلمرو و محتوای قواعد آنها متفاوت از هم است؛ هرچند پیامدهای ناگوار جنگ‌های جهانی، نقش به‌سزایی در تقارب این دو رشته حقوق بین‌الملل عمومی^{۱۲} و در عین حال، توسعه آنها داشته است.^{۱۳}

حال پرسشی که در اینجا مطرح است این است که آیا این دو نهاد حقوقی در چهارچوب حمایت از اشخاص توسعه یافته‌اند؟ و آیا این دو نهاد برای حمایت از افراد غیرنظامی در چهارچوب جنگ‌های مسلحانه با یکدیگر دارای تعامل می‌باشند؟ آنچه در این میان حائز اهمیت است این است که حقوق بنیادین بشر، در زمان مخاصمات مسلحانه در تعامل با حقوق بشردوستانه قابل اجرا است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی تلاش می‌نماید، تعامل میان حقوق بشر و بشردوستانه را مورد بررسی قرار دهد.

۱- تعامل دوسوبه دو نظام حقوقی بین المللی

بدون تردید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به‌عنوان دو نظام حقوقی منفک و مجزا با هدف حمایت از حقوق انسان‌ها گام‌های مؤثری را برداشته‌اند^{۱۴}؛ با این حال استقلال هر یک از آنها به‌عنوان نظام حقوقی مستقل محفوظ مانده است.^{۱۵}

طبق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، مقررات و قواعد حقوق بشردوستانه، تنها در منازعات مسلحانه بین‌المللی و به‌منظور «کاهش رنج بشری» با در نظر گرفتن ضرورت‌های نظامی در دوران مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شود، در صورتی که مقررات حقوق بشر هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ قابل اعمال است؛ این رویه توسط دستورالعمل اتحادیه اروپا^{۱۶} نیز مورد تأیید قرار گرفته است و بر طبق آن مقررات حقوق بشردوستانه، هم در زمان منازعات بین‌المللی و هم غیربین‌المللی قابل اجرا است؛ این در حالی است که مقررات حقوق بشر چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، بر تمامی افراد قابلیت اجرایی دارد؛ لذا هر چند این دو نظام قانونی با یکدیگر متمایز می‌باشند، اما اجرای همزمان هر دو، در موقعیت‌های خاص امکان‌پذیر می‌باشد.^{۱۷}

^{۱۲} از جمله مهمترین اسنادی که پس از وقوع جنگ‌های جهانی مصوب گردیدند، می‌توان به میثاق ۱۹۱۹ جامعه ملل، منشور ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد، اعلامیه ۱۹۴۸ جهانی حقوق بشر، کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، اعلامیه ۱۹۸۴ مربوط به حق مردمان در مورد برخورداری از صلح و قطعنامه‌های مربوط به کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر، اشاره نمود.

^{۱۳} البرزی ورکی، «حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، ۱۷.

^{۱۴} European Union Guidelines on promoting compliance with international humanitarian law, 2005, Para. 12

^{۱۵} Doawald and vite, International Humanitarian law and Human Rights law, 94.

^{۱۶} European Union Guidelines on Human Rights Defenders, 14 June 2004.

^{۱۷} Orakhelashvili, "The Interaction between Human Rights and Humanitarian Law: Fragmentation, Conflict, Parallelism, or Convergence?", 162.

همچنین گزارشگر سازمان ملل متحد در گزارش خود، در خصوص بازداشت‌شدگان زندان گوانتانامو^{۱۸}، بر قابلیت اجرایی شدن هر دو نظام حقوقی، به‌ویژه از لحاظ رعایت حقوق بشر در زمان جنگ، تأکید نموده است^{۱۹}. این رویه در دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری^{۲۰} نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

علاوه بر این در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵، دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا رأی خود را به این‌گونه صادر نمود که فعالیت‌های مسلحانه اوگاندا در قلمرو جمهوری دموکراتیک کنگو، ناقض قاعده منع بین‌المللی توسل به‌زور در راستای اهداف تجاوزکارانه و همچنین ناقض حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است؛ در دعوی متقابل اوگاندا مبنی بر اینکه جمهوری دموکراتیک کنگو، تعهدات خود را در چهارچوب کنوانسیون روابط دیپلماتیک وین در قبال اوگاندا نقض نموده است، دیوان بین‌المللی دادگستری پس از بررسی ادعای هر دو طرف، اوگاندا را به پرداخت خسارت به جمهوری دموکراتیک کنگو محکوم نمود^{۲۱}.

دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق^{۲۲}، در بررسی موضوع دعوی یوگسلاوی سابق و رواندا، اعلام نمود که از آن‌جایی که هر دو نظام حقوقی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از نظر اهداف، ارزش‌ها و اصطلاحات استفاده از حقوق بشر، مشابهت دارند، لذا مکمل یکدیگر بوده و قابلیت اجرایی هم‌زمان را دارند^{۲۳}.

همین رویه در پرونده مشابه در پرونده کنگو - اوگاندا نیز مشاهده می‌شود؛ در این پرونده، جمهوری دموکراتیک کنگو در ژوئن ۱۹۹۹، دادخواست خود را که در آن مدعی شده بود، اوگاندا به این کشور تجاوز مسلحانه نموده و مرتکب نقض آشکار منشور ملل متحد و مقررات حقوق بشر علیه جان و مال مردم آن کشور شده است را مطرح و برای اثبات این ادعا، سه موضوع اشغال کشور کنگو، اقدامات خشونت‌آمیز علیه اتباع کنگو و همچنین غارت دارایی‌ها و ثروت کنگو را مطرح نمود^{۲۴}.

^{۱۸} زندان گوانتانامو که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شده است، در طول فعالیت خود صدها شهروند از ۴۲ کشور جهان را به بهانه‌های مختلف، پذیرا بوده است.

^{۱۹} Situation of Detainees at Guantánamo Bay, 2006:Para. 10

^{۲۰} International Court of Justice (ICJ), 26 June 1945.

^{۲۱} Orakhelashvili, op.cit., 164.

^{۲۲} International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY), 25 May 1993.

^{۲۳} Case Of International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, 2001, Para. 147.

^{۲۴} The Armed Activities on the Territory of the Congo, 2005, Paras 181-195.

دیوان بین‌المللی دادگستری پس از بررسی ادعای طرفین دعوی، رأی خود را صادر نمود؛ در این پرونده، اوگاندا را ناقض قوانین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه خوانده و سپس اوگاندا را به پرداخت خسارت به جمهوری دموکراتیک کنگو محکوم نمود.²⁵

از سویی دیگر، دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در پرونده یوگسلاوی سابق و رواندا، اعلام نمود که «از آن جایی که هر دو نظام حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از نظر اهداف، ارزش‌ها و اصطلاحات استفاده شده از منظر حقوق بشر، مشابهت دارند، لذا حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی مکمل یکدیگر بوده و امکان استفاده توأمان آنها میسر می‌باشد»²⁶؛ در همان زمان، دادگاه تصریح نمود که «مفاهیم توسعه‌یافته در زمینه حقوق بشر را نیز می‌توان در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در صورت توجه به شرایط خاص استفاده نمود»²⁷.

علاوه بر موارد مذکور، نتایج مشابهی نیز، توسط شورای امنیت در سرزمین‌های اشغال شده توسط اسرائیل از جمله در قدس و جولان نیز صادر گردید.²⁸

نتایج این پرونده‌ها حاکی از آن است که این دو نظام حقوقی، در راستای حمایت از کرامت و منزلت انسانی و در شرایط جنگی، بنابر اصل تداوم کاربرد²⁹، می‌توانند یاری‌رسان یکدیگر باشند، اما باید توجه داشت که تطبیق قوانین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مربوط به زمانی می‌شود که اقداماتی در این خصوص انجام پذیرفته باشد؛ این امر ممکن است، مانند موارد فوق به پیگیری جنایات بین‌المللی یا به وظایف و حقوق قدرت اشغالگر مربوط شود؛ اما باید به این نکته توجه نمود که اصل تداوم کاربرد، شامل مقررات مربوط به اقدامات جنگی و ضرورت‌های نظامی متعاقب آنها نخواهد بود.³⁰

علاوه بر موارد بیان شده، بند اول ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند اول ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند اول ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، حاوی بند تعلیق³¹ می‌باشند؛ وجود بند تعلیق در این معاهدات، نشان دهنده این است که حقوق بشر به‌عنوان مکمل حقوق بشردوستانه در زمان مخاصمات مسلحانه اعمال می‌گردد؛ ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، به‌صراحت جنگ را دلیلی جهت تعلیق حقوق بشر ذکر می‌نمایند، لذا واضح است که تعهدات ذکر شده در این دو کنوانسیون، باید در زمان جنگ اعمال گردند و طرفین

²⁵ ibid. 220.

²⁶ ICJ Report 2001, Para. 467.

²⁷ ibid. 471.

²⁸ از این جمله می‌توان به قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت (۱۹۶۷) و جنگ ۱۹۷۳ و قطعنامه ۳۳۸ (۱۹۷۳) شورای امنیت اشاره نمود.

²⁹ The principle of continued applicability

³⁰ Kretzmer, The Advisory Opinion: The Light Treatment of International Humanitarian Law, 96.

³¹ Suspension strap

معاهده، فقط با رعایت شرایط ذکر شده در این مقررات، می‌توانند برخی از قواعد حقوق بشر را در زمان مخاصمات مسلحانه به‌حالت تعلیق درآورند.^{۳۲}

ملاحظه این قواعد نشان می‌دهد که نظام بین‌المللی حقوق بشر، استانداردها و معیارهایی را برای حمایت از انسان‌ها در هر شرایطی مدنظر دارد؛ به‌گونه‌ای که «دیوان اروپایی حقوق بشر»^{۳۳}، ضمن دقت نظر در ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۳۴}، بررسی می‌نماید که اقدامات دولت‌ها بر اساس قوانین بشردوستانه بوده است یا خیر؟^{۳۵} نظام‌های بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با وضع قوانین، حمایت گسترده-ای را از افراد در شرایط مختلف در نظر دارند و تعلیق قواعد این دو نظام، غیرقانونی است، مگر در شرایطی که بر اساس بند یک ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تایید شده باشد؛ لذا تعلیق نمودن قوانین حقوق بشری در شرایط اضطراری، تنها با رعایت شرایط مشروعیت تعلیق به شرح زیر قابل اجرا می‌باشد؛ لازم به ذکر است، اجرای تعلیق با فقدان این شرایط، سبب نامشروع بودن آن می‌گردد و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را به دنبال خواهد داشت:

- اصل سازگاری^{۳۶}، یعنی باید اقدام دولت با سایر تعهدات او به موجب حقوق بین‌الملل سازگار باشد؛ پر واضح است که «حقوق بشردوستانه»، حاوی مهم‌ترین تعهدات بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد؛ بنابراین، برای تحقق این شرط، دولتی که در شرایط اضطراری از نهاد تعلیق استفاده می‌کند و از اعطای پاره‌ای از حق‌ها به شهروندان استنکاف می‌ورزد، در همان حال موظف است حقوق بشردوستانه را به‌اجرا درآورد.
- ضرورت رعایت اصل تناسب^{۳۷}: دیوان اروپایی حقوق بشر از ابزارهایی مانند رویه قضایی و اصل تناسب در جهت تقویت رابطه‌ای عمودی و سلسله‌مراتبی بین دادگاه‌های داخلی دول عضو و دیوان اروپایی استفاده می‌نماید؛ این تغییر به منزله بخشی از فرایند وحدت کامل حقوقی در اتحادیه اروپا به وقوع پیوست که منجر به یک نظام حقوقی یکپارچه‌تر در اروپا شده است.
- رعایت اصل ممنوعیت تبعیض^{۳۸}: این اصل در ماده ۴ میثاق و ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مطرح شده است.

^{۳۲} اردستانی و کامجو، «بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه، یک ارزیابی نظری»، ۸۲.

^{۳۳} European Court of Human Rights, 1959.

^{۳۴} European Convention on Human Rights (ECHR), 4 November 1950.

^{۳۵} Van Dijk, Theory and Practice of the European Convention on Human Rights, 1067.

^{۳۶} Principle of Compatibility

^{۳۷} Principal of Proportionality

^{۳۸} Principle of the Prohibition of Discrimination

این شرایط نشان‌دهنده ارتباط مهم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده و لزوم رعایت آن به این معنا و مفهوم می‌باشد که نظام بین‌الملل حقوق بشر، استانداردهایی را برای حمایت از انسان‌ها در هر زمان و مکانی، اعم از زمان جنگ و صلح و وضعیت اضطراری تهدیدکننده حیات ملت، مقرر نموده است.^{۴۰}

۲- رابطه میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در حمایت از غیرنظامیان

۲-۱- لزوم تفکیک بین غیرنظامیان و نظامیان

پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو، قواعد و مبنایی را مقرر می‌دارد که هم به صورت عرف در آمده و هم در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی قابل اجرا می‌باشد؛ نمونه‌هایی از قواعد عرفی که در پروتکل الحاقی نیز ذکر شده‌اند شامل، اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان و اموال و اهداف نظامی (قاعده ۱-۷)، ممنوعیت حمله کورکورانه (قاعده ۱۱-۱۳)، اصل تناسب در حمله در خصوص تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان (قاعده ۱۴) و... می‌باشد.^{۴۱}

قاعده ۱- اصل ایجاد تفکیک بین افراد غیرنظامی و رزمندگان به عنوان مهم‌ترین اصل انسانی حاکم بر مخاصمات مسلحانه، نخستین بار در مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ^{۴۲} ۱۸۶۸ مورد توجه قرار گرفت؛ این اصل اظهار می‌دارد: تنها هدف قانونی که دولت‌ها حین جنگ باید تلاش کنند بدان دست یابند، آن است که قوای نظامی دشمن را تضعیف نمایند^{۴۳}؛ همچنین ماده ۲۵ مقررات لاهه (۱۹۰۷) که بیان می‌نماید: «حمله یا بمبارانی که به هر وسیله علیه شهرها، روستاها، منازل و یا ساختمان‌های بی‌دفاع صورت پذیرد، ممنوع است» مبتنی بر همین اصل بنیادین می‌باشد.

^{۳۹} حقوق غیر قابل تعلیق، حقوقی می‌باشند که در اسناد حقوق بشری، تحت عنوان حقوقی که در دوره و شرایط اضطراری عمومی نظیر جنگ‌ها یا تهاجم‌ها، دولت‌ها نمی‌توانند اجرای آن‌ها را موقوف یا معلق نمایند، مطرح شده است.

^{۴۰} قربان‌نیا، «تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری»، ۴۷-۴۹.

^{۴۱} هنکرتز و دوسوالدبک، حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۵۰-۵۶.

^{۴۲} اعلامیه سن پترزبورگ اولین اعلامیه رسمی عدم کاربرد بعضی سلاح‌های خاص در زمان جنگ می‌باشد، به عبارت دیگر، غیر متعارف بودن پرتاب شونده‌ها (در مقایسه با سلاح‌های متعارف آن دوره) عامل اصلی در تدوین آن بود.

^{۴۳} هنکرتز و دوسوالدبک، پیشین، ۶۲.

«اعتبار عرفی ممنوعیت جنگ فاقد تفکیک، هرگز به‌طور جدی مورد اختلاف و دعوی قرار نگرفت و حتی بهانه‌جویی‌ها و طفره رفتن‌ها در جنگ جهانی دوم هم اعتبار بنیادین حمایت از افراد غیرنظامی را تغییر نداد»^{۴۴}.

در حال حاضر، این اصل حقوق عرفی، قویاً و به‌طور شفاف در مواد ۴۸، ۵۱(۲)، ۵۲ (۲) از پروتکل الحاقی اوّل (۱۹۷۷) بیان شده و به شکل بارزی میزان حمایت از افراد عادی را گسترش داده است، به‌طوری‌که طرف‌های مختصمه، به‌منظور تضمین حمایت از جمعیت غیرنظامی باید در هر زمان، میان جمعیت غیرنظامی و نظامی تفکیک قائل شوند و عملیات خود را باید فقط علیه اهداف نظامی به جریان بیندازند.

پروتکل الحاقی دوم نیز غیرنظامیان را تحت حمایت قرار داده است؛ ماده ۱۳ این پروتکل، عملیات نظامی علیه افراد عادی را ممنوع می‌داند؛ علاوه بر این، برطبق ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) «حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند، در حوزه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، جزء جنایات جنگی می‌باشد».

دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، در رأی مشورتی ۱۹۹۶، در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، چنین بیان داشت که اصل تفکیک، یکی از «اصول اساسی» حقوق بشردوستانه و یکی از «اصول غیر قابل تخطی در حقوق بین‌الملل عرفی» می‌باشد.

بر همین اساس، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز، حمله علیه غیرنظامیان را که در جریان منازعات متعددی در هر دو حوزه درگیری‌های بین‌المللی و غیر بین‌المللی مورد ادعا قرار گرفته، من جمله در افغانستان، آنگولا، آذربایجان، گرجستان، لبنان، رواندا، یوگسلاوی سابق و در سرزمین‌های اشغال شده از سوی اسرائیل، محکوم کرده و یا خاتمه حملات را درخواست کرده است؛ در قطعنامه ۱۲۹۵ مصوب سال ۲۰۰۰، پیرامون حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، در زمینه حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه، شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجدداً موضوع حمله عمدی به افراد غیرنظامی را در تمامی موقعیت‌های جنگی مورد محکومیت شدید قرار داد^{۴۵}.

قاعده ۲ - غیرنظامیانی که در مخاصمات شرکت ندارند، باید مورد احترام و حمایت قرار بگیرند؛ آنها حق دارند که شخصیت، شرافت، حقوق خانوادگی، اعتقادات مذهبی و عادات و رسومشان مورد احترام قرار گیرد؛ حمایت از غیرنظامیان و احترام به کرامت آنها،

^{۴۴} فلک، باث و دیگران، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ۱۶۱.

^{۴۵} موسوی میر کلائی، «راهکارها و ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹»، ۱۶۳.

بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی لازم‌الاجرا را تشکیل می‌دهد؛ بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو، تعهد به احترام به اشخاص، مشتمل بر تعهد به حمایت و احترام به تمامیت جسمی، ذهنی و یا معنوی آنهاست، هرگونه فشار جسمی یا اخلاقی از خارج، مثلاً برای کسب اطلاعات از غیرنظامیان، ممنوع است؛ به همین دلیل، شکنجه اشخاص از هر نوع که باشد، ممنوع و به‌عنوان نقض فاحش کنوانسیون‌ها (یا یک جنایت جنگی) قابل مجازات است.^{۴۶}

همچنین «انجام آزمایش‌های پزشکی و علمی، یا پیوند اعضا که از لحاظ درمانی موجه نباشد، روی این افراد ممنوع است»^{۴۷}؛ سایر انواع رفتارهای ظالمانه، نظیر قطع عضو یا مجازات‌های بدنی هم ممنوع است؛ به عبارتی دیگر، «حقوق بین‌الملل بشردوستانه تعدی به حیثیت فردی، به‌خصوص رفتارهای تحقیرآمیز و غیرانسانی، فحش‌های اجباری و هر شکل دیگری از اقدامات توهین‌آمیز را کاملاً ممنوع می‌کند»^{۴۸}.

قاعده ۳ - اقدامات یا تهدیدهای خشونت‌آمیزی که هدف اولیه آن گسترش ترس و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع است.

ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو اعلام می‌دارد که با غیرنظامیان باید همواره برخوردی انسانی صورت گیرد و به‌خصوص در برابر همه اقدامات خشونت‌بار یا تهدیدات ناشی از آن حمایت شوند؛ بر اساس بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو، هر عملی که هدف آن «ارعاب یا ترساندن» غیرنظامیان باشد ممنوع است؛ ارعاب یا ترساندن در صورتی هم که هدف اعلام شده از آن، ممانعت از مداخله جمعیت غیرنظامی در مخاصمات یا حتی در اعمال غیرقانونی باشد، ممنوع است؛ زیرا این کنوانسیون، اعمال ارعاب‌آمیز تروریسم را به‌صراحت منع کرده است؛ بنابراین، مقامات یا نیروهای مسلح باید بر اساس کرامت انسانی و قواعد حقوقی، تدابیر دیگری اتخاذ کنند تا امنیت عمومی تضمین شود؛ اما تمامی انواع ارعاب یا اقدامات وحشت و ترس در حقوق بین‌الملل ممنوع نمی‌باشد، برای مثال عملیات نظامی علیه اهداف نظامی که در مجاورت محل سکونت غیرنظامیان قرار گرفته است و موجب ترس و وحشت غیرنظامیان می‌شود، بدون آنکه حمله غیرقانونی علیه غیرنظامیان گردد، غیرقانونی نیست؛ در این خصوص، تناسب میان نتایج نظامی مورد انتظار و صدمه به جمعیت غیر نظامی باید در هر مورد خاص، عامل تعیین‌کننده باشد. رویه دولت‌ها به

^{۴۶} کنوانسیون چهارم ژنو، ۱۹۴۹، ماده ۲۷.

^{۴۷} نگهداری، «جنگ غیر نظامیان و حقوق بشر در اسلام»، ۵۵.

^{۴۸} توکلی طبسی و منصور، «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه»، ۱۸۸.

این صورت است که این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌دانند.^{۴۹}

مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون «سابق» حقوق بشر ملل متحد نیز چندین قطعنامه در زمینه محکومیت اقدامات ارباب‌آمیز در میان غیرنظامیان در جریان منازعه یوگسلاوی سابق به تصویب رسانده است.^{۵۰}

پاره‌ای از اعمال خشونت‌آمیز که به منزله اعمال ممنوعه برطبق این قاعده ذکر شده‌اند عبارت‌اند از: «گلوله‌باران بی‌هدف و وسیع،^{۵۱} عملیات پشتیبانی با هدف گسترش ترس در میان غیرنظامیان، بمباران منظم شهرها و درعین حال حمله، تجاوز به عنف، آزار و شکنجه زنان و کودکان و کشتار جمعی».

البته باید خاطر نشان کرد که همه انواع ارباب جمعیت غیرنظامی در حقوق بین‌الملل ممنوع نیست؛ «عملیات نظامی علیه اهداف نظامی که در مجاورت تجمعی از غیرنظامیان قرار گرفته، همیشه باعث ترس و وحشت می‌شود، بدون آنکه حمله مذکور الزاماً غیرقانونی تلقی شود؛ به تعبیر دیگر، این حمله چنان ترسی در جمعیت غیرنظامی ایجاد نمی‌کند که به‌عنوان استفاده از چنین اقداماتی با هدف اولیه گسترش ترس، ممنوع شود.^{۵۲}

قاعده ۴ - غیرنظامیان در مقابله حمله، حمایت می‌شوند، مگر اینکه مستقیماً در درگیری‌ها شرکت نمایند.

به‌طور کلی، یکی از استثناءهای قاعده ممنوعیت حمله به افراد غیرنظامی، «بسیج عمومی» است که به‌موجب آن ساکنان کشوری که هنوز اشغال نشده است با نزدیک شدن دشمن، به‌طور داوطلبانه و به‌منظور مقاومت در برابر نیروهای مهاجم و بدون اینکه وقت کافی برای سازماندهی در قالب نیروهای مسلح را داشته باشند، برای مقابله با سپاه متجاوز، اسلحه به‌دست می‌گیرند؛ اگر چنین اشخاصی به‌طور آشکار، اسلحه حمل کنند، نظامی محسوب می‌شوند.

^{۴۹} فلک، باث و دیگران، پیشین، ۲۹۴.

^{۵۰} مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ۴۹/۱۹۶، قطعنامه ۵۳/۱۶۴؛ کمیسیون «سابق» حقوق بشر سازمان ملل متحد،

قطعنامه ۱۹۹۴/۷۲، ۱۹۹۳/۷، ۱۹۹۵/۸۹.

^{۵۱} مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ۵۳/۱۶۴.

^{۵۲} فلک، باث و دیگران، پیشین، ۲۹۳.

این موضوع یک قاعده قدیمی و عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و قبلاً هم در کد لیبر^{۵۳} و اعلامیه بروکسل^{۵۴} به رسمیت شناخته شده است؛ این قاعده در مقررات لاهه، کنوانسیون سوم ژنو و پروتکل الحاقی اول نیز تدوین شده است.^{۵۵}

بدیهی است که قانونی بودن حمله به یک غیرنظامی، بستگی بدان دارد که منظور از «شرکت مستقیم در درگیری» دقیقاً چه باشد و اینکه مبدأ و آغاز شرکت مستقیم در درگیری کجاست و چه موقع خاتمه می‌یابد؛ «کمیسیون بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر»^{۵۶} بیان داشته که عبارت «شرکت مستقیم در درگیری» معمولاً به معنای «اعمالی است که به موجب ماهیت یا هدف عمل، به قصد آسیب رسانیدن به افراد و منابع دشمن ارتکاب می‌یابند»^{۵۷}؛ هنگامی که فرد غیرنظامی از اسلحه یا سایر وسائل برای ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز، علیه نظامیان دشمن یا منابع و امکانات آنان استفاده کند، بدیهی است که حمایت در برابر حملات را از دست می‌دهد؛ همچنین این کمیسیون برای تمایز بین شرکت مستقیم و غیرمستقیم اظهار داشت:

غیرنظامیانی که فعالیت‌های آنان صرفاً پشتیبانی از یک طرف متخاصم است و فقط به صورت غیرمستقیم در درگیری‌ها شرکت دارند، نبایستی رزمنده و نظامی محسوب شوند؛ شرکت غیرمستقیم، نظیر فروش کالا به یکی از طرفین مخاصمه و ابراز حمایت از آن طرف و یا حتی واضح‌تر از آن، عدم اقدام در ممانعت از تجاوز نظامی یکی از طرفین، به معنای اقدامات خشونت‌آمیز که بتواند تهدید مستقیم در ایراد واقعی به طرف دیگر باشد، تلقی نمی‌گردد.^{۵۸}

با وجود این، رویه‌های دیگری نیز وجود دارد که شرکت مستقیم غیرنظامیان در درگیری را، حسب مورد و بر اساس واقعیات قضیه ارزیابی می‌کنند.

به‌عنوان مثال، افسران ارتش رواندا، غیرنظامیان غیرمسلحی را که در جریان درگیری‌های مسلحانه به نیروهای مسلح خود آذوقه و مهمات رسانده یا پیام‌های ایشان را جابه‌جا می‌نمودند، مشمول وضعیت غیرنظامی نمی‌دانستند؛ دستورالعمل نیروی دریایی آمریکا اعلام می‌دارد: احراز موضوع «شرکت مستقیم در درگیری‌ها» باید حسب مورد

^{۵۳} نخستین اقدام سیستماتیک برای تدوین فهرستی از جرایم جنگی، به گونه‌ای که طیف گسترده‌ای از این جرایم را در برگیرد، دستورالعمل‌های مربوط به ارتش آمریکا بود که توسط رییس جمهور وقت آمریکا، «آبراهام لینکلن» در سال ۱۸۶۳ صادر و به نام نویسنده اصلی آن «فرانسیس لیبر»، کد لیبر نامگذاری گردید.

^{۵۴} Brussels Conference Act, 1890.

^{۵۵} کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۴؛ مقررات لاهه، ماده ۲؛ پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۱ (۳).

^{۵۶} Inter-American Commission on Human Rights (IACHR), 1959.

^{۵۷} توکلی طبسی و منصوری، پیشین، ۱۷۳.

^{۵۸} حبیبی و رمضانی، «وضعیت حقوقی سپر انسانی داوطلبانه در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی»، ۱۵.

بررسی شود؛ بنابراین رزمندگان واقع در میدان نبرد بایستی، باتوجه به رفتار شخص، مکان و پوشش او و سایر اطلاعاتی که در آن زمان در دسترس است، تصمیم بگیرند که آیا شخص غیرنظامی مشمول حمله عامدانه می‌باشد یا خیر؟^{۵۹}

به همین جهت باید گفت، مفهوم «شرکت مستقیم در درگیری‌ها» تاکنون، به‌طور دقیق و مشخص، تبیین نشده است؛ از سوی دیگر در موارد مشکوکی که نمی‌دانیم فردی نظامی است یا خیر، بند ۱ ماده ۵۰ پروتکل الحاقی اول^{۶۰} می‌گوید: «در موارد تردید در خصوص غیرنظامی بودن یا نبودن، آن شخص را باید غیرنظامی به حساب آورد»؛ همچنین بند ۲ همین ماده، واژه «شهروندان غیرنظامی» را شامل حال همه افراد غیرنظامی دانسته و بیان می‌دارد چنانچه شک و تردیدی بروز کند، باید فرض بر خورداری از صفت شهروندی را ارجح دانست.

نتیجه‌گیری

این مقاله، رویکرد تعامل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برای حمایت از غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که، به‌رغم اینکه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دارای وجوه مشترک بسیاری می‌باشند، لیکن نه می‌توان آن دو را یکی پنداشت و نه می‌توان حقوق بشردوستانه را جزئی از حقوق بشر دانست، بلکه این دو نظام، مکمل یکدیگر بوده و در تعامل با یکدیگر سعی می‌نمایند تا به نحو موثرتری از قربانیان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه حمایت نمایند؛ همچنین مشخص گردید، مواردی مانند حق حیات، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت بازداشت خودسرانه، لزوم تفکیک بین غیرنظامیان و نظامیان و لزوم رعایت تناسب در حمله که در اسناد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه آمده‌اند، ناشی از تعامل این دو نظام حقوقی می‌باشند.

از سوئی دیگر، مقررات این دو نظام، در توسعه یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند، یعنی در پاره‌ای موارد حقوق بشر، باعث پیشرفت و توسعه حقوق بشردوستانه گردیده و در پاره‌ای موارد بالعکس؛ از موارد تأثیر آموزه‌های حقوق بشر بر توسعه حقوق بشردوستانه می‌توان به اصل عدم تبعیض در منازعات اشاره نمود که از اعلامیه جهانی حقوق بشر به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو راه یافته است؛ همچنین، از موارد تأثیر آموزه‌های حقوق بشردوستانه بر توسعه حقوق بشر، می‌توان به ممنوعیت جرایم علیه بشریت اشاره نمود

^{۵۹} گزارش حقوق بشر در کلمبیا، ۱۹۷۳: ۸۸/۳.

^{۶۰} Protocol Additional to the Geneva Conventions. 1949 V. Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II). 1977 V. Development of International Humanitarian Law Applicable in Armed Conflicts Entry into Force. 1978.

که در پی تجارب جنگ جهانی دوم توسعه یافت و وارد اسناد حقوق بشری گردید، همچنین منع نسل‌کشی که در گذشته، از جرایم زمان جنگ محسوب می‌گردید، ولی بعدها توسعه یافته و ارتکاب آن حتی در زمان صلح نیز جرم محسوب می‌گردد.

از سویی دیگر، حقوق غیر قابل تعلیق نیز به‌عنوان یکی دیگر از وجوه اشتراک این دو نظام مورد بررسی قرار گرفت، حقوقی که شامل حقوق ابتدائی هر انسان، نظیر حق حیات، حق آزادی از شکنجه و اجتناب از رفتار یا مجازات غیرانسانی، حق آزادی از اسارت و بندگی می‌باشد و باید در هر زمان و مکانی بدون هیچ وقفه‌ای رعایت گردند؛ به‌طور کلی این مقاله، به این نتیجه رسیده است که این دو نظام دارای وجوه مشترک بسیاری بوده و برای حمایت از غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه، هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح دارای تعامل می‌باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف) منابع فارسی

- اردستانی، علی و الهه کامجو. «بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مناصمات مسلحانه، یک ارزیابی نظری». دو فصلنامه حقوق بشر دانشگاه مفید ۱ (۱۳۹۷): ۶۷-۹۰.
- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸.
- البرزی ورکی، مسعود. «حقوق بشر و حقوق بشردوستانه». فصلنامه حقوق اساسی ۸ (۱۳۸۶): ۱۷-۴۰.
- توکلی طبسی، علی و فرنگیس منصوری. «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مناصمه داخلی سوریه». مجله حقوق بین‌المللی ۵۲ (۱۳۹۴): ۱۵۹-۲۰۴.
- جهان‌تیغی، حسین و حسین نجفی. «نقش و جایگاه پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در حقوق بین‌الملل». فصلنامه جستارهای حقوق عمومی ۵ (۱۳۹۷): ۴۳-۶۱.
- حبیبی، همایون و صالحه رمضانی. «وضعیت حقوقی سپر انسانی داوطلبانه در حقوق بشردوستانه بین‌المللی». فصلنامه حقوق عمومی ۴۵ (۱۳۹۳): ۱۰۳-۷۷.
- فلک، دیتر، میشل باث و دیگران، مترجم. سید قاسم زمانی و نادر ساعد. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱.
- قربان‌نیا، ناصر. «تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری». مجله فقه و حقوق ۱۲ (۱۳۸۶): ۶۱-۳۷.
- کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه.
- موسوی میر کلائی، سید طه. «راهکارها و ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹». مجله حقوقی دادگستری ۸۳ (۱۳۹۲): ۱۸۳-۱۵۱.
- موسوی، عباس. شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا، تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۲.
- نگهداری، عوض. «جنگ غیر نظامیان و حقوق بشر در اسلام». مجله معرفت (سابق) ۱۱۸ (۱۳۸۶): ۳۳-۴۶.
- هنکرتز، ژان ماری و لوئیس دوسوالدبک، مترجم. دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
- یوسف‌پور، عبدالرحمان. «شکنجه متهمان و مرتکبان اقدامات تروریستی توسط آمریکا در چهارچوب حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۴.

ب) منابع انگلیسی

Case No. IT-96-23-T& IT-96-23/1-T, International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991[22 February 2001].

Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land and its Annex: Regulation Concerning the Laws and Customs of War on Land, the Hague(18 October 1907).

Convention (II) with Respect to the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague(29 July 1899).

Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons which may be deemed to be Excessively Injurious or to have Indiscriminate Effects (with Protocols I, II and III)(10 October 1980).

Delalic case app No. IT-96-2-T, Judgment of 16 Nov 1998.

Doawald, Louise and Sylvia vite .“International Humanitarian law and Human Rights law.” *International Review of the Red Cross*19(1993): 83-98.

Droege, Cordula .“The Interplay Between International Humanitarian Law and Law and International Human Rights Law in Situations of Armed Conflict.” *The Hebrew University of Jerusalem* 40(2007):310-355.

European Union Guidelines on promoting compliance with international humanitarian law, OJ C327/04,2005.

Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code)(24 April 1863).

International Court of Justice Report for Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 2004. Available at: <https://www.icj-cij.org/en/case/131>.

Kretzmer, David. *The Advisory Opinion: The Light Treatment of International Humanitarian Law*. London: Cambridge University Press, 2005.

Orakhelashvili, Alexander .“The Interaction between Human Rights and Humanitarian Law: Fragmentation, Conflict, Parallelism, or Convergence?” *The European Journal of International Law*19(2008): 161-182.

Prosecutor v. Furundzija Case of Judgment app No. IT-95-17/1-T, Judgment of 10 December 1998.

Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I).

Report Of further Dinstein app No. E/CN.4/2003/30, Judgment of 17 Dec 2001.

Resolutions 49/196, 53/164, 1994/72, 1993/7, 1995/89, 2444 (23) of the United Nations General Assembly.

Rome Statute of the International Criminal Court(17 July 1998).

The Armed Activities on the Territory of the Congo Case (Democratic Republic of Congo v. Uganda), ICJ Reports 2005.

The Brussels Conference Act(2 July 1890).

United Nations Report of the Chairperson-Rapporteur of the Working Group on Arbitrary Detention,Situation of Detainees at Guantánamo Bay, 2006.

Van Dijk, Pieter.*Theory and Practice of the European Convention on Human Rights*. London: Cambridge University Press, 2006.